

## پانزده خرداد و شکل‌گیری مفهوم جدید سیاست در ایران

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

### مقدمه

این مقاله جمع‌بندی نتایجی است که از نهضت ۱۵ خرداد در مبان‌ی تئوریک نگاه اسلامی به حوزه سیاست می‌توان گرفت. این فصل لزوماً مبتنی بر اسناد تاریخی نیست بلکه تفسیر تئوریک تمامی اسنادی است که هم در این مجموعه و هم در متون دیگری که درباره نهضت امام خمینی، منتشر شده، گردآوری شده است. به نظر می‌رسد آنچه نهضت ۱۵ خرداد را برای همیشه نقطه عطف تاریخ تحولات ایران کرد همین نتایج تئوریک است. بررسی‌های اسنادی اگر منجر به نتایج تئوریک نشود نه این که بررسی‌های قابل‌اعتنایی نیست ولی هیچ جامعه‌ای را به الزام‌آوری نسبت به فرآیند دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی سوق نمی‌دهد و آنها را وفادار به این تحولات نمی‌سازد.

۱. این مقاله در فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴، بهار و تابستان ۹۴ به چاپ رسیده است.





تا وقتی این نتایج تئوریک پابرجا است وفاداری به نهضت امام خمینی رمز تمامی فروبستگی‌هایی است که یک ملت ممکن است در فرآیند تحولات تاریخی گرفتار آن شود. تا وقتی وفاداری به دال مرکزی امر سیاسی در منطق امام خمینی در این کشور پابرجاست امکان ندارد گرفتاری‌های دوران، ملت ایران، نخبگان ایران و نظام سیاسی ایران و انقلاب اسلامی را از مسیرش منحرف سازد. زنده بودن و زنده ماندن انقلاب اسلامی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در دنیای پیچیده و متلون سیاست به وفاداری به دال مرکزی سیاست در اندیشه‌های امام خمینی وابسته است. دال مرکزی امر سیاسی در آرمان‌ها و اندیشه‌های امام به قرار زیر است:

### ۱. نهضت ۱۵ خرداد و بسترهای شکل‌گیری مفهوم جدید سیاست در ایران

آندره مالرو نویسنده معروف فرانسوی در یکی از آثارش گفته است که قرن بیست و یکم یا مذهبی است یا وجود ندارد. ما نمی‌دانیم آیا این تعبیر منطبق با رخدادهای این قرن در نقاط استراتژیک جهان خواهد شد یا نه؛ اما بی‌تردید می‌دانیم که قرن بیست و یکم برای مردم ایران با تمام وجوهش یک قرن مذهبی خواهد بود.

آنچه در ایران اواخر قرن بیستم به وقوع پیوست یک رخداد در حال گذار نیست. انقلاب اسلامی ثابت کرد که میان مفاهیم رسمی و واقعیت‌های اجتماعی شکاف گسترده‌ای وجود دارد. مفاهیم سیاسی و اجتماعی قدیم در پرتو تحولات مربوط به انقلاب اسلامی استعداد کافی برای تبیین این رخدادها را ندارد. نارضایتی از مقولات سیاسی مستقر و رسمی در بسیاری از حوزه‌های اندیشه سیاسی منعکس است. برای فهم دگرگونی‌های

سیاسی دوران معاصر، مهم است که بدانیم در ایران از چه دوره‌ای چنین تردیدی در کارآمدی مفاهیم سیاسی پیدا شد.

مطالعات عمیق تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که اواخر دهه سی و آغاز دهه چهل خاستگاه پیدایش چنین تردیدی در جامعه ایران است و امام خمینی اولین متفکری است که جلوه‌های مختلف بازنگری در این مفاهیم کهنه و منسوخ بودن آنها را اعلام می‌کند.

تاقیل از دهه چهل و ظهور امام خمینی در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تفکرات هم‌آهنگی درباره بنیاد اندیشه سیاسی در حوزه تفکرات اسلامی در دوران جدید وجود نداشت. وضع تفکر در باب نظریه سیاسی در زمانی که کتاب *کشف/سرار* نوشته می‌شد با آنچه بعد از آن در دهه چهل اتفاق افتاد، بسیار متفاوت بود. حتی تا قبل از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ این گونه نبود که نظریه‌های بومی سیاست در ایران استعدادی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین داشته باشد.

امام خمینی شاید بیش از هر متفکر و متألهی به سیاست به عنوان یک مقوله حیاتی در سلوک زندگی مسلمانی نظر داشته است. ما در آثار، افکار و گفتارهای امام به هیچ اظهار نظر مشکوکی درباره ارزش سیاست به این معنا بر نمی‌خوریم که بخشی از سیاست و موضوعات و مسائل آن خارج از وظیفه مسلمانی باشد. اندیشه‌ها و آثار امام همواره پیرامون حیات اجتماعی مسلمانان و فضای زندگی آنها دور می‌زد. به خاطر همین تأملات مصرانه بر امکان سیاست است که افکار امام، نسلی از نظریه‌پردازان معاصر ایران و جهان اسلام را تحت تأثیر خود قرار داده است.

آنچه امروزه به عنوان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، سیاست اسلامی و اسلام سیاسی در گوشه و کنار جهان مورد پژوهش قرار می‌گیرد و تأثیر سرنوشت‌سازی نیز بر نظریه‌های انتقادی نسبت به مدرنیته و شاخه‌های فکری، فلسفی، ایدئولوژیک و فرهنگی غرب و گرایش‌های سیاسی - اجتماعی آنها مثل لیبرالیسم، کمونیسم، سوسیالیسم و سکولاریسم دارد و از همه مهم‌تر آنچه به عنوان موج چهارم بیداری اسلامی اکنون در جهان اسلام جریان دارد، بی‌تردید بدون فهم نوع نگاه امام به حوزه سیاست از زاویه آموزه‌های اسلامی قابل شناسایی و تجزیه و تحلیل نیست.

حکمت سیاسی در اندیشه‌های خمینی کبیر روشی چندرگه در معارف اسلامی است که نمی‌توان به تنهایی با مطالعه فقه، فلسفه، عرفان، کلام یا هر دانش مجزای دیگری در معارف اسلامی بدان دست یافت. در صورت‌بندی اندیشه امام خمینی هم



تا قبل از دهه چهل و ظهور امام خمینی در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تفکرات هم‌آهنگی درباره بنیاد اندیشه سیاسی در حوزه تفکرات اسلامی در دوران جدید وجود نداشت. وضع تفکر در باب نظریه سیاسی در زمانی که کتاب کشف‌السرار نوشته می‌شد با آنچه بعد از آن در دهه چهل اتفاق افتاد، بسیار متفاوت بود. حتی تا قبل از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ این گونه نبود که نظریه‌های بومی سیاست در ایران استعدادی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین داشته باشد

گره‌گشایی‌های فقهی در حوزه اجتماعی حضور دارد، هم‌رمزگشایی‌های فلسفی در مبادی عقلی حکومت و سیاست؛ هم اصول موضوعه عرفان و اخلاق را در نگاه وحدانی به سیاست که در عالم کثرت ظهور و حضور دارد می‌بینیم و از همه مهم‌تر نگاه کلامی به حوزه سیاست که به سیاست ماهیت اعتقادی داده و برای همه قواعد و احکام فقهی صاحب و مسئول می‌بیند. بنابراین نباید تردید کرد که ورود امام از موضع یک مجتهد، فقیه، عارف، متکلم، ادیب، فیلسوف و حکیم به سیاست از تمام تعاریف متعارف از سیاست خارج بود و

شاید یکی از دلایلی که باعث شد تا نوع نگاه امام به حوزه سیاست هنوز ناشناخته باقی بماند همین نگاه حکمی به سیاست است؛ نگاهی که در تعاریف رسمی وجود ندارد.

امام هیچ شباهتی از جهت ورود به حوزه سیاست با فقهای دیگر ندارد و کسانی که از زاویه یکی از معارف اسلامی مثل فقه یا عرفان یا فلسفه به دنبال شناخت و تحلیل امام هستند توفیقی به دست نمی‌آورند. امام به دلیل نوع نگاه به سیاست از زاویه حکمت اسلامی و دستاوردهای بشری، تکامل مضامین اصلی نظریه‌اش را در چهار مضمون اصلی در سیاست دنبال می‌کند: عقلانیت، عدالت، معنویت و آزادی.

در فهم اندیشه امام این چهار مضمون از هم جدا نیست. مقوله فراگیر و عمده در اندیشه امام معنا و امکان سیاست در معارف اسلام است. امام به سیاست به عنوان مجموعه‌ای از متون و نظریات مهم کلاسیک نگاه نمی‌کند و آثار بزرگ سیاسی را بر حسب ارزش‌های انسانی و اسلامی‌شان می‌سنجد. غیر ممکن است در آثار امام نقدی مفصل و مشروح درباره متون سیاسی یا نظریه‌های سیاسی پیدا کنیم. زیرا سیاست در اندیشه امام به شکل مطالعه آثار یک نویسنده یا یک متفکر عرضه نمی‌شود. سیاست را نمی‌توان در معارف اسلامی جدا از حوزه‌های دیگر معرفت در نظر گرفت. پرسش از مبادی اولیه و اصول موضوعه سیاست در اندیشه‌های امام ناظر به همه وجوه سیاست است. بعضی از متفکران مسلمان از میان بنیادهای معرفت سیاسی تنها به مسئله «چه کسی یا کسانی باید حکومت کنند»، پرداخته‌اند و درگیری آنها در حوزه سیاست تنها در همین مؤلفه

است. عده‌ای دیگر تنها به مضمون حیاتی «ارزش‌ها و روش‌های حکومت از کجایم آید»، می‌پردازند و مباحث بنیادین دیگر سیاست در آثار آنها مغفول واقع شده است. بعضی از متفکرین نیز فقط به «عقلانیت تجمع سیاسی جامعه» توجه کرده و این که چرا بشر به حکومت نیاز دارد و آیا انسان فطرتاً اجتماعی است یا خیر و مباحثی شبیه به این می‌پردازند و در نوشته‌های آنها از بحث‌های دیگر یا خبری نیست یا این مباحث نحیف هستند و از دل آنها نظام فکری قابل استخراج نیست.



امام خمینی از محدود فقهای تاریخ تمدن اسلامی است که در آثارش به همه وجوه سیاست به شکل عمیق و دقیق پرداخته شده است و از منظومه اندیشه وی می‌توان الگوهای نظام سیاسی استخراج کرد. رویکرد امام به سیاست، امکان باز تولید راهبری فضای زندگی مسلمانان است. پرسش کلیدی در نظر امام این نیست که متون سیاسی ارزش خاصی دارد یا نه؛ خوب‌اند یا بد؛ جزء این مکتب یا ایدئولوژی سیاسی هستند یا آن؛ به آثار بزرگ کلاسیک در علم سیاست و فلسفه سیاسی تعلق دارند یا نه؛ برای امام آنچه اهمیت دارد و اندیشه امام را سرآمد اندیشه‌های دوران معاصر می‌کند امکان سیاست در شریعت اسلامی است.

از چشم‌انداز چنین امکانی است که امام می‌گوید حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت جنبه عملی فقه در برخورد





با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. از چشم‌انداز چنین امکانی است که امام می‌گوید فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. این همان امکان سیاسی است که حکیمان حکمت توحیدی گفته‌اند آن کسی که از طرف رسول‌الله نیابت داشته باید امکان این را داشته باشد تا ضبط سیاستی که وظیفه‌اش نگاهداری فضای زندگی برای مسلمانان است بنماید.<sup>۱</sup> برای امام این امکان سیاست بود و هدف این امکان نیز نگاهداری فضای زندگی مسلمانان در هر شرایطی می‌باشد. فقیه اگر نتواند در شرایط متفاوت این فضا را به نیابت از امام مدیریت کند نیابت وی مورد تردید است.

۱۵ خرداد به این اعتبار از نظر امام خمینی نقطه عطف در تاریخ تحولات ایران است که آرمان سیاست اسلامی را که عبارت از نگاهداری فضای زندگی مسلمانان در هر شرایط است را به واقعیت‌های سیاست در فضای زندگی مردم نزدیک کرد و از این طریق مرز بین سیاست و دین مخدوش گردید؛ مرزی که غربی‌ها از طریق آن سال‌ها تلاش کردند سیاست را از هر بند و بستی رها سازند و هیچ نص و کنترلی را بر سیاست نپذیرند.

امام در اغلب آثارش به این رابطه‌ای که باید بین سیاست، شریعت و اخلاق باشد توجه دارد. شاید به همین اعتبار بود که وقتی تیمسار پاکروان رئیس ساواک شاه به امام عرض کرد که سیاست یعنی پدرسوخته‌بازی و دروغ‌گویی و فریب و نیرنگ امام گفت آن سیاست مال خودتان ما با آن سیاست از اول کاری نداشتیم.

وسعت دادن به پرسش از امکان سیاست در اسلام امام را به مضمون مهمی به نام اخلاق متصل می‌کرد؛ زیرا پاسخ امام به پاکروان نشان می‌داد که سیاست در نزد وی پایبندی و وفاداری به یک سری از ارزش‌ها بود. از جهت دیگر، اساس برداشت امام از سیاست علاوه بر پایبندی به ارزش‌ها به نحوه ارتباط آن با توده‌های مردم نیز برمی‌گشت. سیاست تا قبل از نهضت ۱۵ خرداد سال ۴۲ مستقیماً با توده‌های مردم تعریف نمی‌شد و در مدار گروه‌های خاص، احزاب، طبقات اجتماعی ویژه و کارگزاران درباری می‌چرخید. اما امام سیاست را بر مدار مردم قرار داد و شریعت را رسانه رسای رابطه بین حکومت و توده‌ها معرفی کرد. از این زاویه است که می‌توانیم یقین داشته باشیم که سیاست در فرهنگ اسلامی پیوند وثیقی با شریعت دارد. احساس تعهد امام به سیاست برخلاف فعالیت‌های سیاسی اغلب گروه‌ها و جریان‌ها همواره به این معنا بود که «من» باید در سیاست محو شود تا سیاست روی پای اخلاق بایستد. نوشتن درباره کسی که در آثارش خواهان ناپدید

۱. ملاصدرا، مفاتیح‌الغیب، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران، مولی، ۱۳۶۳، ص ۲۱۳.



شدن نفس و خودبینی است بسیار کار مشکلی است. و به طریق اولی نوشتن درباره جنبشی که رهبر آن خواهان ناپدید شدن خود در خیل عظیم مردمی که وسط صحنه آمده‌اند و از همه چیز خود گذشته‌اند بسیار دشوار است.

جنبش‌های اجتماعی را غربی‌ها در تعریف متعارف سیاست، عموماً با طبقات اجتماعی، تضادهای طبقاتی و طبقه پیشرو می‌شناسند. وقتی در جنبشی مثل ۱۵ خرداد نه طبقه اجتماعی و نه طبقه پیشرو وجود نداشته باشد برای آنهایی که گرفتار تعریف‌های متعارف هستند درک و فهم و صورت‌بندی این جنبش بسیار مشکل است. یکی از دلایلی که نه جریان‌های سیاسی، نه رژیم حاکم و نه تئوری پردازان غربی از درک انقلاب اسلامی و نقطه عزیمت آن یعنی نهضت ۱۵ خرداد عاجز ماندند، همین ناشناختگی مبادی اساسی جنبش ایران در تعاریف موجود بود. برای بسیاری از متدینین نیز این ابهام وجود داشت که دیدگاه فرهنگی امام در چنین بلوایی دارای چه امکانی از تولید، چه راهبردهایی برای تولید و چه نوعی از تولید در حوزه سیاست خواهد بود.

## ۲. پانزده خرداد و گشودگی خسوف امر سیاسی در ایران

برای شناخت اهمیت نهضت ۱۵ خرداد در بازپدیدار شدن سیاست در ایران باید آن را در جنبه‌های کارکردی‌اش نسبت به خسوفی که بعد از نهضت مشروطیت و کسوفی که بعد از جنبش ملی شدن نفت نسبت به امر سیاسی و اجتماعی در ایران به وجود آمد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از نقاط قوت نهضت ۱۵ خرداد ظرفیت قابلیت جایگزین شدن آن نسبت به گفتمان‌های سیاسی فرسوده، بی‌اعتبار و سنتی در



آنچه امروزه به عنوان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، سیاست اسلامی و اسلام سیاسی در گوشه و کنار جهان مورد پژوهش قرار می‌گیرد و تأثیر سرنوشت‌سازی نیز بر نظریه‌های انتقادی نسبت به مدرنیته و شاخه‌های فکری، فلسفی، ایدئولوژیک و فرهنگی غرب و گرایش‌های سیاسی - اجتماعی آنها مثل لیبرالیسم، کمونیسم، سوسیالیسم و سکولاریسم دارد و از همه مهم‌تر آنچه به عنوان موج چهارم بیداری اسلامی اکنون در جهان اسلام جریان دارد، بی‌تردید بدون فهم نوع نگاه امام به حوزه سیاست از زاویه آموزه‌های اسلامی قابل شناسایی و تجزیه و تحلیل نیست

ایران بود. نهضت ۱۵ خرداد نقش ضروری روشنائی بخشیدن و راهنمایی کردن حرکت جامعه بر مدار آرمان‌های حقیقی و واقعی مردم را در زمانی که خسوف امر سیاسی در ایران غلبه داشت و مردم رابطه‌ای با کارگزاران سیاست در این دوران نداشتند و اعتمادی نیز بر این کارگزاران نبود؛ بر عهده گرفت. وقتی از خسوف امر سیاسی و امر اجتماعی سخن به میان

می‌آید نمی‌خواهیم به هیچ وجه از ناپدید شدن سیاست در ایران سخن گفته باشیم، بلکه مراد از گرفتگی سیاست در این دوران، تاریکی، ابهام و ناکارآمدی سیاست در ایران است. تا قبل از نهضت امام خمینی امر سیاسی که لزوماً باید با آرمان‌ها و مصالح مردم نسبت داشته باشد، چنین کارویژه‌ای نداشت و صرفاً در گیر تأمین خواسته گروه‌های حاکم و جریان‌های خاصی است که می‌خواهند سهمی از قدرت در سیاست داشته باشند. بنابراین امر سیاسی در جامعه وجود دارد ولی در سطوح مختلف و متفاوت؛ آن کشش جادویی و نیروی جاذبه لازم و توانایی کافی را برای بسیج امکانات، سرمایه‌ها و نیازهای جامعه ندارد.

شکست نهضت مشروطه و جنبش ملی شدن نفت که دوران طلایی امر سیاسی در ایران بود؛ و تحمیل دو کودتای سیاه بر ملت ایران، آرام آرام پیوند مردم با سیاست و گشودگی‌های آن را قطع کرد و ابهام، تیرگی و بی‌اعتمادی نسبت به سیاست و اهل سیاست بر جامعه سایه افکنده بود. نهضت ۱۵ خرداد اعتبار از دست رفته سیاست را در جامعه مذهبی ایران اعاده کرد و نوع جدیدی از مفهوم سیاست و سیاستمدار وارد صحنه تحولات اجتماعی ایران کرد. پیدا شدن گروه‌ها و جریان‌های جوان، تازه‌نفس و متنوع سیاسی صرف نظر از گرایش‌ات آنها، بخشی از دستاوردهای سترگ نهضت ۱۵ خرداد در دگرگونی اجتماعی ایران بود.

در منطق ۱۵ خرداد و رهبری این نهضت، پرننگ شدن تضادها و اختلافات ایدئولوژیک



قدیمی در ایران از عوامل اساسی خسوف سیاسی بعد از شکست نهضت مشروطیت بود. تنگ شدن دایره امر سیاسی و بدل شدن فعالیت‌های سیاسی به یک صف‌آرایی سطحی و صوری گروه‌ها و جریان‌ها برای منافع حقیر و قومی‌قبیله‌ای، چیزی نبود که مردم را به شور و شوق سیاسی وا دارد و آنها را برای هزینه کردن در این حوزه ترغیب کند. بعد از کودتای سیاه رضاخان هیچ مدلول اجتماعی برای توان بخشیدن به یک دال سیاسی وجود نداشت. رضاخان و پسرش محمدرضا به کمک منورالفکری وابسته دال مرکزی امر سیاست را که عبارت از توده‌های مردم و امور مربوط به زیست اجتماعی آنها بود از صحنه سیاست حذف کردند و موجودیت اصلی و واقعی امر سیاسی و امر اجتماعی را تبدیل به یک موجودیت آماری و ذهنی ساختند. حتی در انتخابات مجلس که جزء حق عمومی جامعه است، نشانی از تجلی آرای عمومی مردم (یعنی دال مرکزی سیاست از دیدگاه امام)، وجود نداشت. اسناد و مدارک باقی مانده در دوره پهلوی چه در زمان رضاخان و چه در دوره محمدرضا در این رابطه جالب است.

در ۲۳ خرداد ۱۳۰۹ خورشیدی تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه و مرد ذی نفوذ حکومت پهلوی طی بخشنامه محرمانه‌ای به حکام ایالات در سراسر کشور ابلاغ می‌کند:

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزرا (نخست‌وزیر) و وزارت جلیله داخله (وزارت کشور)، طبق اوامر ملوکانه (یعنی اوامر رضاشاه)، در قسمت انتخابات دوره ۸ و انتخاب نماینده جهت مجلس شورای ملی، لزوماً اعلام می‌دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است باید جدیت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهریاری علاقمند هستند که باید اشخاص مفصله‌المندرجه در صورت لف (فهرست پیوستی) باید به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصر بدیهی است مورد بی میلی اعلی حضرت واقع خواهد شد...<sup>۱</sup> در این بخشنامه به صراحت اعلام می‌شود کسانی که جهت انجام این مأموریت را ندارند از تاریخ ملاحظه این حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهند. و افرادی که بخواهند در استان مربوطه به میل خود نماینده انتخاب کنند فوراً از محل تبعید شوند.

۱. اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۶۷-۶۵.



توسط آنجا که می‌باشد طبق هر چه در این کتاب آمده است باید جهت تأیید به عمل  
آید که این انتخابات جهت مجلس انتخاب شوند. مجلس حاضر در این مجلس شهر ری  
جداگانه هستند که نام آنجا در منتهای المنهج در صورت نامه باشد به هر قیاس  
بشدت انتخاب شوند در صورتی که اندک تغییری در اجرای او از جمله باشد به هر قیاس  
باین است در صورتی که این انتخابات واقع شود باید نام آنجا در منتهای المنهج  
در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.

۱- در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.

۲- در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.

۳- در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.

۴- در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.

۵- در صورتی که جهت انتخاب این نام آورده باشد در این کتاب آمده است.



۸. در کلیه قضایا<sup>۱</sup> طبق امر همایونی باید با مشورت اداره قشونی حوزه حکومتی خودشان اقدام شود [و] با مشورت هم امر انتخابات خاتمه باید.

۹. در صورتی که اشخاص میل به وکالت داشته باشند، باید آنها را قبلاً تصدیق و بعداً تجدید، در صورتی که به جلسات خودشان ادامه دهند. رأی را تا تجدید شوتند.

۱۰. در صورتی که در صورت‌های از سالی تجدید نظری یا تغییرات<sup>۲</sup> سیاست و مصالح مسلکتن ایجاد شود، بدیهی است تلگرافاً اشخاص منظور را معرفی خواهیم نمود.

۱۱. ممکن است نظری<sup>۳</sup> در صورت تهیه شود به طوری که در ماده ۱۰ ذکر شده است قبلاً اطلاع<sup>۴</sup> داده خواهد شد.

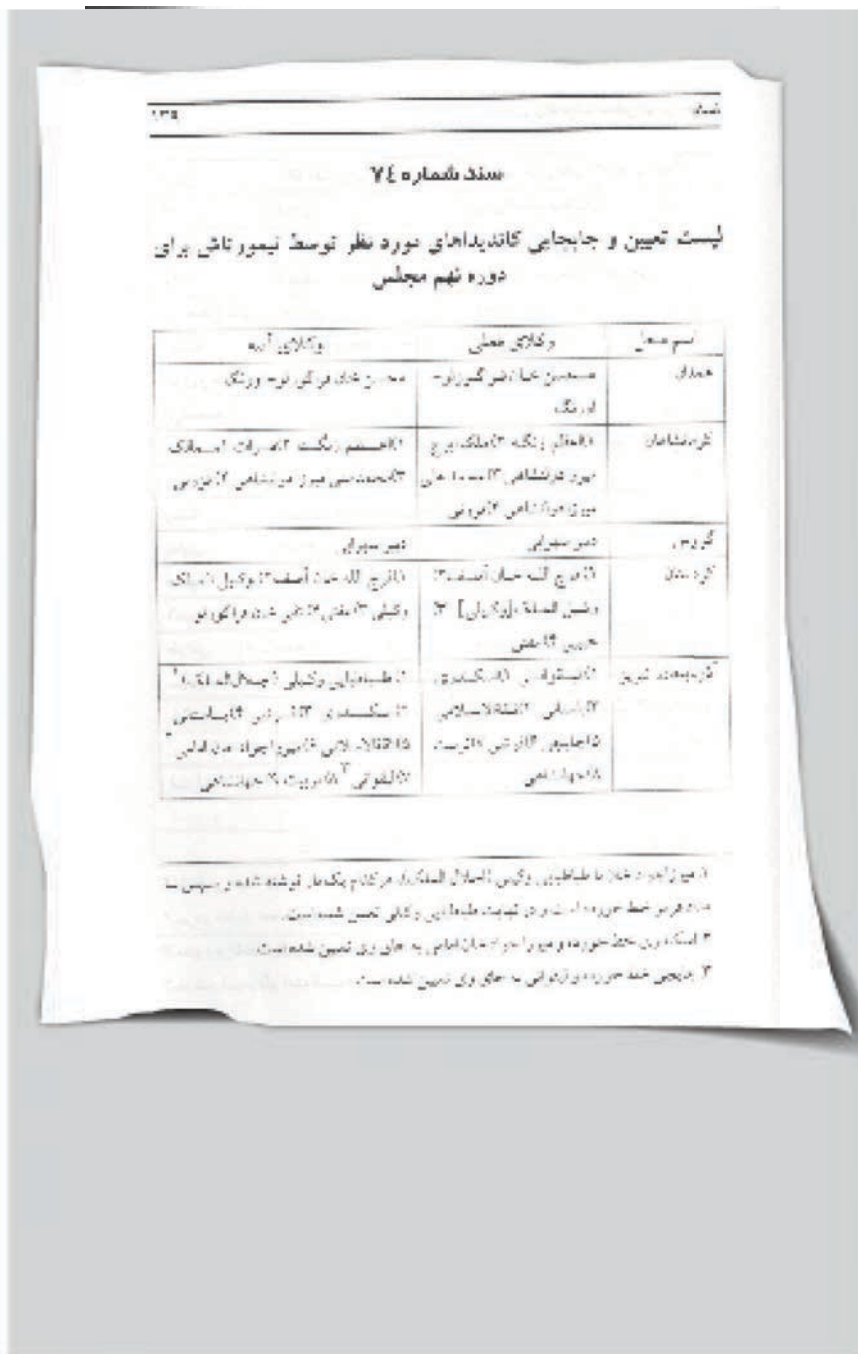
۱۲. نمایندگان شما طبق صورت از سالی باید انتخاب شوند.

۱۳. بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد که موفقیت کامل حاصل نکرده است، البته اقدام دیگری در مستوفی<sup>۵</sup> آراء خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم

موفقیت انجام خواهد شد.<sup>۶</sup> اگر چه در این خصوص هیچ بحثی نیست، بلکه در این خصوص در صورتی که در این خصوص هیچ بحثی نیست، بلکه در این خصوص هیچ بحثی نیست.

در این خصوص هیچ بحثی نیست، بلکه در این خصوص هیچ بحثی نیست.

در سند دیگری تیمور تاش، فهرست افرادی که باید در مجلس نهم جا به جا شوند و افرادی که باید جایگزین آنها گردند را به کلیه ایالات ابلاغ می کند و هیچ جریانی جرئت و جسارت اعتراض به این تجاوزات آشکار به حقوق مردم در خیمه شب بازی انتخابات در عصر پهلوی را ندارد.





اسمادان از اسناد کتب خطی موجود در کتابخانه...		شماره
اسمادان	اسمادان	۱
اسمادان	اسمادان	۲
اسمادان	اسمادان	۳
اسمادان	اسمادان	۴
اسمادان	اسمادان	۵
اسمادان	اسمادان	۶
اسمادان	اسمادان	۷
اسمادان	اسمادان	۸
اسمادان	اسمادان	۹
اسمادان	اسمادان	۱۰
اسمادان	اسمادان	۱۱
اسمادان	اسمادان	۱۲
اسمادان	اسمادان	۱۳
اسمادان	اسمادان	۱۴
اسمادان	اسمادان	۱۵
اسمادان	اسمادان	۱۶
اسمادان	اسمادان	۱۷
اسمادان	اسمادان	۱۸
اسمادان	اسمادان	۱۹
اسمادان	اسمادان	۲۰
اسمادان	اسمادان	۲۱
اسمادان	اسمادان	۲۲
اسمادان	اسمادان	۲۳
اسمادان	اسمادان	۲۴
اسمادان	اسمادان	۲۵
اسمادان	اسمادان	۲۶
اسمادان	اسمادان	۲۷
اسمادان	اسمادان	۲۸
اسمادان	اسمادان	۲۹
اسمادان	اسمادان	۳۰
اسمادان	اسمادان	۳۱
اسمادان	اسمادان	۳۲
اسمادان	اسمادان	۳۳
اسمادان	اسمادان	۳۴
اسمادان	اسمادان	۳۵
اسمادان	اسمادان	۳۶
اسمادان	اسمادان	۳۷
اسمادان	اسمادان	۳۸
اسمادان	اسمادان	۳۹
اسمادان	اسمادان	۴۰
اسمادان	اسمادان	۴۱
اسمادان	اسمادان	۴۲
اسمادان	اسمادان	۴۳
اسمادان	اسمادان	۴۴
اسمادان	اسمادان	۴۵
اسمادان	اسمادان	۴۶
اسمادان	اسمادان	۴۷
اسمادان	اسمادان	۴۸
اسمادان	اسمادان	۴۹
اسمادان	اسمادان	۵۰

۱- اسنادی که در این کتابخانه موجود است...

۲- اسنادی که در این کتابخانه موجود است...

۳- اسنادی که در این کتابخانه موجود است...

۴- اسنادی که در این کتابخانه موجود است...





طهران	مهدیسلطانعلی - اصفهانی	۱) امین العرب - ۲) حکیم شکرانه مقدم - ۳) نیک پور - ۴) کاشف - ۵) نور - ۶) نورانی - ۷) طهرنجین - ۸) طهراس - ۹) ناله - ۱۰) داور - ۱۱) معتقد سلطانه - ۱۲) زین العابدین - ۱۳) پیکار
قزوین و قزوینیه	رعنا	رعنا
خراسان رضوی	مریم محمدی - مجری	سید احمد حسینی
شهریار	داریوش	فاطمه
دزفول	خراسانی (مختصر السلطان)	عرواوی
خراسان	۱) بیات - ۲) عراقی	۱) - ۲) - ۳) عراقی
اصفهان	۱) حاج امین - ۲) فاطمه - ۳) زکریا احمدی	۱) حاج امین - ۲) زکریا احمدی - ۳) حاج میرزا حسن جان فاطمی
کاشان	حاج میرزا حسن جان فاطمی	حاج میرزا حسن جان فاطمی
فصل آباد	غفر حسن جان	غفر حسن جان
بروجرد	۱) نقی السلام - ۲) امیر	۱) نقی السلام - ۲) امیر - ۳) حاج امین - ۴) امیر
خرم و بهار	۱) - ۲)	۱) امیر - ۲) حاج امین - ۳) امیر - ۴) امیر
کربلا	۱) سعیدی - ۲) زکریا - ۳) محمد علی شاد احمدی - ۴) امیر	۱) سعیدی - ۲) زکریا - ۳) سعیدی - ۴) امیر
شیراز	۱) قوام - ۲) حاج علی حسن - ۳) منگ - ۴) ناز - ۵) محمد - ۶) علی - ۷) امیر	۱) قوام - ۲) حاج علی حسن - ۳) منگ - ۴) ناز - ۵) محمد - ۶) علی - ۷) امیر

این فهرست تنها نمونه و دارای به جای وی تعیین شده است.  
 این کتابی که در این شماره در دسترس شما قرار می‌گیرد، تعیین شده است.



صبا	۱۱۰۰	پایه هفتم	پایه هفتم
مهدیار	۱۱۰۱	سیدالهدی خان سادات دهره‌قرا	
نانه	۱۱۰۲	دکتر پروین	
کافور	-	دکتر شیخ	
سلس	کافور	کافور	
پریسفر	۱۱۰۳	دکتر سید سید علی	دکتر سید پروین
مهدیس			
مهرم		سیدان خان قشقایی	-
کرمین	۱۱۰۴	دکتر سید علی	دکتر سید علی
روان	۱۱۰۵	میرزا احمدی	میرزا احمدی
سورج‌گد	دکتر شیخ	سید علی	سید علی
بیم	دکتر ملک زاده	دکتر ملک زاده	
چهارآفتاب	۱۱۰۶		
نیوجادو	۱۱۰۷	سید علی	
فرید	۱۱۰۸	دکتر سید علی	دکتر سید علی
شیرین	۱۱۰۹	دکتر سید علی	دکتر سید علی
شمس	۱۱۱۰	سید علی	
کامران	۱۱۱۱	دکتر سید علی	دکتر سید علی
قاسم	۱۱۱۲	دکتر سید علی	دکتر سید علی
فرزین	۱۱۱۳	دکتر سید علی	دکتر سید علی

۱. بخاری، محمد حوریه و توکل، به جای وی شمس سادات.





شماره	موضوع	موضوع	موضوع
۱۰۰	موضوع اول	موضوع اول	موضوع اول
۱۰۱	موضوع دوم	موضوع دوم	موضوع دوم
۱۰۲	موضوع سوم	موضوع سوم	موضوع سوم
۱۰۳	موضوع چهارم	موضوع چهارم	موضوع چهارم
۱۰۴	موضوع پنجم	موضوع پنجم	موضوع پنجم
۱۰۵	موضوع ششم	موضوع ششم	موضوع ششم
۱۰۶	موضوع هفتم	موضوع هفتم	موضوع هفتم
۱۰۷	موضوع هشتم	موضوع هشتم	موضوع هشتم
۱۰۸	موضوع نهم	موضوع نهم	موضوع نهم
۱۰۹	موضوع دهم	موضوع دهم	موضوع دهم
۱۱۰	موضوع یازدهم	موضوع یازدهم	موضوع یازدهم
۱۱۱	موضوع بیستم	موضوع بیستم	موضوع بیستم
۱۱۲	موضوع بیست و یکم	موضوع بیست و یکم	موضوع بیست و یکم
۱۱۳	موضوع بیست و دوم	موضوع بیست و دوم	موضوع بیست و دوم
۱۱۴	موضوع بیست و سوم	موضوع بیست و سوم	موضوع بیست و سوم
۱۱۵	موضوع بیست و چهارم	موضوع بیست و چهارم	موضوع بیست و چهارم
۱۱۶	موضوع بیست و پنجم	موضوع بیست و پنجم	موضوع بیست و پنجم
۱۱۷	موضوع بیست و ششم	موضوع بیست و ششم	موضوع بیست و ششم
۱۱۸	موضوع بیست و هفتم	موضوع بیست و هفتم	موضوع بیست و هفتم
۱۱۹	موضوع بیست و هشتم	موضوع بیست و هشتم	موضوع بیست و هشتم
۱۲۰	موضوع بیست و نهم	موضوع بیست و نهم	موضوع بیست و نهم
۱۲۱	موضوع بیست و دهم	موضوع بیست و دهم	موضوع بیست و دهم
۱۲۲	موضوع بیست و یازدهم	موضوع بیست و یازدهم	موضوع بیست و یازدهم
۱۲۳	موضوع بیست و چهارم	موضوع بیست و چهارم	موضوع بیست و چهارم
۱۲۴	موضوع بیست و پنجم	موضوع بیست و پنجم	موضوع بیست و پنجم
۱۲۵	موضوع بیست و ششم	موضوع بیست و ششم	موضوع بیست و ششم
۱۲۶	موضوع بیست و هفتم	موضوع بیست و هفتم	موضوع بیست و هفتم
۱۲۷	موضوع بیست و هشتم	موضوع بیست و هشتم	موضوع بیست و هشتم
۱۲۸	موضوع بیست و نهم	موضوع بیست و نهم	موضوع بیست و نهم
۱۲۹	موضوع بیست و دهم	موضوع بیست و دهم	موضوع بیست و دهم
۱۳۰	موضوع بیست و یازدهم	موضوع بیست و یازدهم	موضوع بیست و یازدهم



مهر	مهر	مهر
۱۳۰۵	۱۳۰۵	۱۳۰۵
۱۳۰۶	۱۳۰۶	۱۳۰۶
۱۳۰۷	۱۳۰۷	۱۳۰۷
۱۳۰۸	۱۳۰۸	۱۳۰۸
۱۳۰۹	۱۳۰۹	۱۳۰۹
۱۳۱۰	۱۳۱۰	۱۳۱۰
۱۳۱۱	۱۳۱۱	۱۳۱۱
۱۳۱۲	۱۳۱۲	۱۳۱۲
۱۳۱۳	۱۳۱۳	۱۳۱۳
۱۳۱۴	۱۳۱۴	۱۳۱۴
۱۳۱۵	۱۳۱۵	۱۳۱۵
۱۳۱۶	۱۳۱۶	۱۳۱۶
۱۳۱۷	۱۳۱۷	۱۳۱۷
۱۳۱۸	۱۳۱۸	۱۳۱۸
۱۳۱۹	۱۳۱۹	۱۳۱۹
۱۳۲۰	۱۳۲۰	۱۳۲۰
۱۳۲۱	۱۳۲۱	۱۳۲۱
۱۳۲۲	۱۳۲۲	۱۳۲۲
۱۳۲۳	۱۳۲۳	۱۳۲۳
۱۳۲۴	۱۳۲۴	۱۳۲۴
۱۳۲۵	۱۳۲۵	۱۳۲۵
۱۳۲۶	۱۳۲۶	۱۳۲۶
۱۳۲۷	۱۳۲۷	۱۳۲۷
۱۳۲۸	۱۳۲۸	۱۳۲۸
۱۳۲۹	۱۳۲۹	۱۳۲۹
۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰
۱۳۳۱	۱۳۳۱	۱۳۳۱
۱۳۳۲	۱۳۳۲	۱۳۳۲
۱۳۳۳	۱۳۳۳	۱۳۳۳
۱۳۳۴	۱۳۳۴	۱۳۳۴
۱۳۳۵	۱۳۳۵	۱۳۳۵
۱۳۳۶	۱۳۳۶	۱۳۳۶
۱۳۳۷	۱۳۳۷	۱۳۳۷
۱۳۳۸	۱۳۳۸	۱۳۳۸
۱۳۳۹	۱۳۳۹	۱۳۳۹
۱۳۴۰	۱۳۴۰	۱۳۴۰



ردیف	موضوع	توضیحات
۱	فصل اول - آشنایی - ۳۳۰ - ۳۳۱	تا آخر فصل
۲	فصل دوم - ۳۳۲ - ۳۳۳	تا آخر فصل
۳	فصل سوم - ۳۳۴ - ۳۳۵	تا آخر فصل
۴	فصل چهارم - ۳۳۶ - ۳۳۷	تا آخر فصل
۵	فصل پنجم - ۳۳۸ - ۳۳۹	تا آخر فصل
۶	فصل ششم - ۳۴۰ - ۳۴۱	تا آخر فصل
۷	فصل هفتم - ۳۴۲ - ۳۴۳	تا آخر فصل
۸	فصل هشتم - ۳۴۴ - ۳۴۵	تا آخر فصل
۹	فصل نهم - ۳۴۶ - ۳۴۷	تا آخر فصل
۱۰	فصل دهم - ۳۴۸ - ۳۴۹	تا آخر فصل
۱۱	فصل یازدهم - ۳۵۰ - ۳۵۱	تا آخر فصل
۱۲	فصل بیستم - ۳۵۲ - ۳۵۳	تا آخر فصل
۱۳	فصل بیست و یکم - ۳۵۴ - ۳۵۵	تا آخر فصل
۱۴	فصل بیست و دوم - ۳۵۶ - ۳۵۷	تا آخر فصل
۱۵	فصل بیست و سوم - ۳۵۸ - ۳۵۹	تا آخر فصل
۱۶	فصل بیست و چهارم - ۳۶۰ - ۳۶۱	تا آخر فصل
۱۷	فصل بیست و پنجم - ۳۶۲ - ۳۶۳	تا آخر فصل
۱۸	فصل بیست و ششم - ۳۶۴ - ۳۶۵	تا آخر فصل
۱۹	فصل بیست و هفتم - ۳۶۶ - ۳۶۷	تا آخر فصل
۲۰	فصل بیست و هشتم - ۳۶۸ - ۳۶۹	تا آخر فصل
۲۱	فصل بیست و نهم - ۳۷۰ - ۳۷۱	تا آخر فصل
۲۲	فصل سی و یکم - ۳۷۲ - ۳۷۳	تا آخر فصل
۲۳	فصل سی و دوم - ۳۷۴ - ۳۷۵	تا آخر فصل
۲۴	فصل سی و سوم - ۳۷۶ - ۳۷۷	تا آخر فصل
۲۵	فصل سی و چهارم - ۳۷۸ - ۳۷۹	تا آخر فصل
۲۶	فصل سی و پنجم - ۳۸۰ - ۳۸۱	تا آخر فصل
۲۷	فصل سی و ششم - ۳۸۲ - ۳۸۳	تا آخر فصل
۲۸	فصل سی و هفتم - ۳۸۴ - ۳۸۵	تا آخر فصل
۲۹	فصل سی و هشتم - ۳۸۶ - ۳۸۷	تا آخر فصل
۳۰	فصل سی و نهم - ۳۸۸ - ۳۸۹	تا آخر فصل
۳۱	فصل سی و دهم - ۳۹۰ - ۳۹۱	تا آخر فصل
۳۲	فصل سی و یازدهم - ۳۹۲ - ۳۹۳	تا آخر فصل
۳۳	فصل سی و دهم - ۳۹۴ - ۳۹۵	تا آخر فصل
۳۴	فصل سی و یازدهم - ۳۹۶ - ۳۹۷	تا آخر فصل
۳۵	فصل سی و دهم - ۳۹۸ - ۳۹۹	تا آخر فصل
۳۶	فصل سی و یازدهم - ۴۰۰ - ۴۰۱	تا آخر فصل
۳۷	فصل سی و دهم - ۴۰۲ - ۴۰۳	تا آخر فصل
۳۸	فصل سی و یازدهم - ۴۰۴ - ۴۰۵	تا آخر فصل
۳۹	فصل سی و دهم - ۴۰۶ - ۴۰۷	تا آخر فصل
۴۰	فصل سی و یازدهم - ۴۰۸ - ۴۰۹	تا آخر فصل
۴۱	فصل سی و دهم - ۴۱۰ - ۴۱۱	تا آخر فصل
۴۲	فصل سی و یازدهم - ۴۱۲ - ۴۱۳	تا آخر فصل
۴۳	فصل سی و دهم - ۴۱۴ - ۴۱۵	تا آخر فصل
۴۴	فصل سی و یازدهم - ۴۱۶ - ۴۱۷	تا آخر فصل
۴۵	فصل سی و دهم - ۴۱۸ - ۴۱۹	تا آخر فصل
۴۶	فصل سی و یازدهم - ۴۲۰ - ۴۲۱	تا آخر فصل
۴۷	فصل سی و دهم - ۴۲۲ - ۴۲۳	تا آخر فصل
۴۸	فصل سی و یازدهم - ۴۲۴ - ۴۲۵	تا آخر فصل
۴۹	فصل سی و دهم - ۴۲۶ - ۴۲۷	تا آخر فصل
۵۰	فصل سی و یازدهم - ۴۲۸ - ۴۲۹	تا آخر فصل
۵۱	فصل سی و دهم - ۴۳۰ - ۴۳۱	تا آخر فصل
۵۲	فصل سی و یازدهم - ۴۳۲ - ۴۳۳	تا آخر فصل
۵۳	فصل سی و دهم - ۴۳۴ - ۴۳۵	تا آخر فصل
۵۴	فصل سی و یازدهم - ۴۳۶ - ۴۳۷	تا آخر فصل
۵۵	فصل سی و دهم - ۴۳۸ - ۴۳۹	تا آخر فصل
۵۶	فصل سی و یازدهم - ۴۴۰ - ۴۴۱	تا آخر فصل
۵۷	فصل سی و دهم - ۴۴۲ - ۴۴۳	تا آخر فصل
۵۸	فصل سی و یازدهم - ۴۴۴ - ۴۴۵	تا آخر فصل
۵۹	فصل سی و دهم - ۴۴۶ - ۴۴۷	تا آخر فصل
۶۰	فصل سی و یازدهم - ۴۴۸ - ۴۴۹	تا آخر فصل
۶۱	فصل سی و دهم - ۴۵۰ - ۴۵۱	تا آخر فصل
۶۲	فصل سی و یازدهم - ۴۵۲ - ۴۵۳	تا آخر فصل
۶۳	فصل سی و دهم - ۴۵۴ - ۴۵۵	تا آخر فصل
۶۴	فصل سی و یازدهم - ۴۵۶ - ۴۵۷	تا آخر فصل
۶۵	فصل سی و دهم - ۴۵۸ - ۴۵۹	تا آخر فصل
۶۶	فصل سی و یازدهم - ۴۶۰ - ۴۶۱	تا آخر فصل
۶۷	فصل سی و دهم - ۴۶۲ - ۴۶۳	تا آخر فصل
۶۸	فصل سی و یازدهم - ۴۶۴ - ۴۶۵	تا آخر فصل
۶۹	فصل سی و دهم - ۴۶۶ - ۴۶۷	تا آخر فصل
۷۰	فصل سی و یازدهم - ۴۶۸ - ۴۶۹	تا آخر فصل
۷۱	فصل سی و دهم - ۴۷۰ - ۴۷۱	تا آخر فصل
۷۲	فصل سی و یازدهم - ۴۷۲ - ۴۷۳	تا آخر فصل
۷۳	فصل سی و دهم - ۴۷۴ - ۴۷۵	تا آخر فصل
۷۴	فصل سی و یازدهم - ۴۷۶ - ۴۷۷	تا آخر فصل
۷۵	فصل سی و دهم - ۴۷۸ - ۴۷۹	تا آخر فصل
۷۶	فصل سی و یازدهم - ۴۸۰ - ۴۸۱	تا آخر فصل
۷۷	فصل سی و دهم - ۴۸۲ - ۴۸۳	تا آخر فصل
۷۸	فصل سی و یازدهم - ۴۸۴ - ۴۸۵	تا آخر فصل
۷۹	فصل سی و دهم - ۴۸۶ - ۴۸۷	تا آخر فصل
۸۰	فصل سی و یازدهم - ۴۸۸ - ۴۸۹	تا آخر فصل
۸۱	فصل سی و دهم - ۴۹۰ - ۴۹۱	تا آخر فصل
۸۲	فصل سی و یازدهم - ۴۹۲ - ۴۹۳	تا آخر فصل
۸۳	فصل سی و دهم - ۴۹۴ - ۴۹۵	تا آخر فصل
۸۴	فصل سی و یازدهم - ۴۹۶ - ۴۹۷	تا آخر فصل
۸۵	فصل سی و دهم - ۴۹۸ - ۴۹۹	تا آخر فصل
۸۶	فصل سی و یازدهم - ۵۰۰ - ۵۰۱	تا آخر فصل
۸۷	فصل سی و دهم - ۵۰۲ - ۵۰۳	تا آخر فصل
۸۸	فصل سی و یازدهم - ۵۰۴ - ۵۰۵	تا آخر فصل
۸۹	فصل سی و دهم - ۵۰۶ - ۵۰۷	تا آخر فصل
۹۰	فصل سی و یازدهم - ۵۰۸ - ۵۰۹	تا آخر فصل
۹۱	فصل سی و دهم - ۵۱۰ - ۵۱۱	تا آخر فصل
۹۲	فصل سی و یازدهم - ۵۱۲ - ۵۱۳	تا آخر فصل
۹۳	فصل سی و دهم - ۵۱۴ - ۵۱۵	تا آخر فصل
۹۴	فصل سی و یازدهم - ۵۱۶ - ۵۱۷	تا آخر فصل
۹۵	فصل سی و دهم - ۵۱۸ - ۵۱۹	تا آخر فصل
۹۶	فصل سی و یازدهم - ۵۲۰ - ۵۲۱	تا آخر فصل
۹۷	فصل سی و دهم - ۵۲۲ - ۵۲۳	تا آخر فصل
۹۸	فصل سی و یازدهم - ۵۲۴ - ۵۲۵	تا آخر فصل
۹۹	فصل سی و دهم - ۵۲۶ - ۵۲۷	تا آخر فصل
۱۰۰	فصل سی و یازدهم - ۵۲۸ - ۵۲۹	تا آخر فصل



دو سه	دو سه	دو سه
ف	۰ - - - ۰	تبرکات
م - جوق	۰ - - - ۰	مجلس عالی معارف
- ۱۰۱	حکومت	کمیسیون
- ۱۰۱	کودک	کودک
بهره	کودک	کودک
و نه	کودک	کودک
- ۱۰۱	کودک	کودک
گزارش	کودک	کودک
شماره	کودک	کودک
سریه	کودک	کودک
۲	کودک	کودک
بریت	کودک	کودک
- بریت	کودک	کودک
نید	کودک	کودک
تین	کودک	کودک
سهم	کودک	کودک
تم	کودک	کودک
مؤلف	کودک	کودک

امام خمینی از محدود فقهای تاریخ تمدن اسلامی است که در آثارش به همه وجوه سیاست به شکل عمیق و دقیق پرداخته شده است و از منظومه اندیشه وی می توان الگوهای نظام سیاسی استخراج کرد. رویکرد امام به سیاست، امکان باز تولید راهبری فضای زندگی مسلمانان است

در سند دیگر علی اکبر داور وزیر عدلیه (وزیر دادگستری) رضاخان از تیمورتاش می خواهد که چند نفر از نزدیکان و وابستگانش برای نمایندگی مجلس در نقاط مورد نظر انتخاب شوند. استدلال وزیر عدلیه رضاخان که سکولارهای وابسته به غرب او را پایه گذار قوانین مترقی!! حقوق قضایی در ایران عصر پهلوی می دانند در این رابطه جالب توجه است. داور به تیمورتاش می نویسد:

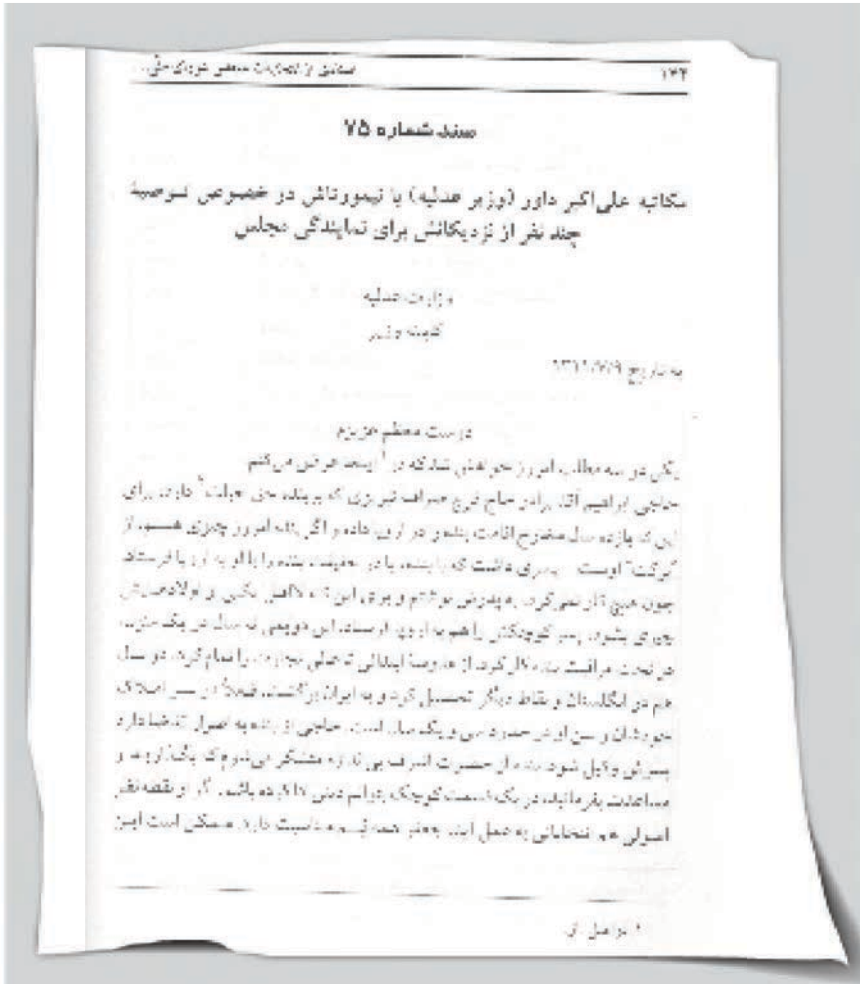
چون حاجی ابراهیم آقا برادر حاج فرج صراف تبریزی بر بنده حق حیات دارد و ۱۱ سال مخارج اقامت بنده در اروپا را متقبل شده است و اگر بنده امروز چیزی هستم از برکت اوست... حاجی از بنده به اصرار تقاضا دارد پسرش وکیل شود. بنده از حضرت اشرف بی اندازه متشکر می شوم که بگذارید و مساعدت بفرمایید در یک قسمت کوچک بتوانم دینی ادا کرده باشم.<sup>۱</sup>

امر سیاسی در دوره پهلوی نه ربطی به امور عمومی داشت و نه بهایی برای آن قائل بودند. حتی کسانی که خود را روشنفکر می خواندند و سال ها در اروپا علم مدرن فرا گرفته بودند به رغم آموخته های خود شأنی برای مردم و امور مربوط به آنها قائل نبودند. وقتی وزیر دادگستری یک نظامی تصدی امور مردم در قوه مقننه را ادای دین شخصی خود در یک قسمت کوچک تلقی کند و نمایندگی مجلس را که به قول فقهای ما تصدی امور شرعی و امور عرفیه مردم است حقیر و ناچیز می شمارد، معلوم است که مناصب و مقامات و مسئولیت ها در چنین رژیم می مبنای بدهستان های شخصی و منت گذاری های متقابل باشد.

جالب اینجاست که وزیر دادگستری رضاخان می گوید:

اگر از نقطه نظر اصولی هم انتخاباتی به عمل آید این آقا جعفر پسر حاج فرج صراف تبریزی همه قسم مناسبت دارد که انتخاب شود. به عبارت دیگر علی اکبر داور به زبان بی زبانی به ما می فهماند که فعلاً انتخابات اصولی یعنی انتخابات واقعی در ایران دوره رضاخان بر گزار نمی شود پس چه اشکالی دارد آقا جعفر وکیل شود و از وکیل شدن ثقه الاسلام

بروجردی نره غول!! نیز جلوگیری به عمل آید و یک تمنای منفی دیگر این که: مرگ من، اسدالله خان عامری را نیز انتخاب نکنید و به جای او دکتر علی جان تبریزی که یک مرتبه هم برای خانم خدمت رسید (یعنی یک بار برای ویزیت خانم شما به منزل آمد) داوطلب و کالت و البته از هر حیث خوب است.<sup>۱</sup>



۱. همان، ص ۱۴۵.





تعالی، امیر سادات و از پذیرفته شدن آنجا هم بر نرفته باشد، اما اینها افتداز کند؟<sup>۱</sup> عرض دیگر: نقد الاسلام بود، چیزی اشیر آنکه وکان از مضمون: در سه اول، واپس، مرد، دختر نه یا ده ساله او را برای پسر خود مشرک بفرستد، این خلاف قانون از دراج عقد کرد. مقصود واضح است: خوردن مال اخصی، اعتدال، و امانت، امانت که پیش از عقد او را، زهدی حیانت<sup>۲</sup> برای پسر من عقد کرده اند، این با هم مقصود روشن است، ولی چون ادعای عقد از طرفه عقرب - بر فرض صحیح - قبل از قانون از دراج بود، جاری تعقیب جرائز نیست، ولی نقد الاسلام نه اصول، دوره سه قبل از عمل را که درست ترین عمل است، در آن کتاب آمده، خود پسرش مقبول، قانون از دراج هستند و تعویب خوانند شد، پسر من عزان فرکتب و عدم مصلحتی، پدر نه عنوان معارضه، حالا یکی از ما سه کار می شود که در آن نگذاشته اند، دست به دست، کازیم تا مجلس نامشروع و هر قدر تسقیب، شوهاده با مجرم اصلی را تعقیب کنیم و از مجازات سخون نقد الاسلام، صرف عقرب کنیم، با حسب مسویب معنون خود داشته شود، نظر آقایان را نگراناً تعالی می کشد.

امیدوارم در همه حال، در این اشغالی در نظر باشد، این کیفیت اشعار، انبوه رجوع به زبور دیگرها، چیزی عرض نمی کند، رنگ آندانی دیگر حکمی، سرگ من استند، عزان داری را انشاء تکذیب،<sup>۳</sup> دیگر، دیگر اصلی، عزان نیز می که بگفته شیم، بی بی خانم خودمان، رسیدن دو صفت و کثرت و البته از هر جهت خوب است، قطعاً در برابر هم بر ملاحظه قرار نیست، از حسب اصولی از جعفر روشن است، سران این که با جعفر از او، از برای معنون شده، انشاء شوقه کنعانی، و عقرب را امتداد می تطبیق می کنیم، شخص دیگر نه و امانت، در همه ظن بدرد.

عزیزه عرض می کند:

۱. در همان جریان

۲. قول است: راه از سوی دوره سه این که معصا شده است، تکلیف، عزان و در حدیثی هم گفته اند که در آن است، در ضمن این معصا فراتر از حد است.



به نیک پور هنوز آقا احمد نداشتند؟ بنده دارم و از برای وکالت به جهات حقیقه خوبه است. کسانی که بدی کرده و تادم شده نیز خورده لطف فرار بدهید، قطعاً خبر نخوانید داشت. اگر اصولاً اشکالی در کار نباشد و در کار نیک پور اشکال اصولی نیست به شخص از جمعی نتوانید اعتماد بفرمایید، بنده ضمانت می‌کنم در تهران هم خردش بی طرفانه نیست. ظهیرالدوله را می‌شناسید؟ داوطلب (۱) وکالت است. اصلاً خوب است. چون خود آقا هم می‌شناسید، پیش از این عرض نمی‌کنم، اگر مصلحت ندانید اقدام خواهید فرمود. حاج میرزا زین العابدین مسلکی راجع به انتخاب یک سفر از نزدیکان مجلس نزدیک، بنده نمی‌شود به آقای دیرا (وکیل السلک) رجوع کرده بود. تحقیق بفرمایید بنده عرض نمی‌کنم، چون اثر شخصی است. مراتب تسلط هم عرض کرده بود و او را به یاد آقا بنده دارم. بنده می‌دانم که در این مورد حق را رعایت کرده‌ام و قطعاً مستصاف السلک برای خرج سفر ترکیه‌اش منتظر بدل مرحمت است. عینی وکیل به حقیقه بنده برای وکالت بسیار خوب است. بنده می‌دانم که در این مورد حقیقت را

[مترجم:] اعتمادت داو...

[مترجم:] اعتمادت داو...

[مترجم:] اعتمادت داو...

تاریخ: ۱۳۱۱/۵/۱۹

نمبر: ۲۲۲۵



### سند شماره ۷۵

شماره ۱۳۷

تاریخ سنبله ۱۳۷۵



وزارت حقوق

کمیته تخصصی از بنابر آئین نامه زیر

ماده ۱ - در این کمیته - در مجموع پنج نفر به شرح زیر تعیین می‌گردد:

تعداد آقایان - سه نفر که در حد و حدی خود تعیین می‌گردد.

تعداد بانوان - دو نفر که در حد و حدی خود تعیین می‌گردد.

این کمیته در امور زیر فعالیت خواهد داشت:

۱- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت ایرانی.

۲- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های لغو تابعیت ایرانی.

۳- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به فرزندان ایرانی.

۴- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به همسران ایرانی.

۵- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال ایرانی.

۶- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بی‌سرپرست ایرانی.

۷- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بی‌سرپرست بیگانه.

۸- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه.

۹- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست.

۱۰- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه.

۱۱- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه.

۱۲- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۳- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۴- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۵- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۶- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۷- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۸- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۱۹- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

۲۰- بررسی و اظهار نظر در مورد درخواست‌های اعطای تابعیت به اطفال بیگانه بی‌سرپرست بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه.

تاریخ: ۱۳۷۵/۰۸/۰۵  
 شماره: ۱۳۷/۱۰۰/۱۳۷۵  
 وزارت حقوق

سرنوشت راهگشایی‌های امر سیاسی در دوره محمدرضا بهتر از دوره پدرش نیست. انتخابات که بارزترین نقطه تجلی امر سیاسی است در دوره محمدرضا همان مسیری را طی کرد که در دوره رضاخان طی کرده بود. به عنوان نمونه، نویسنده کتاب *دروازت دربار* که مربوط به گزارش‌های روزانه حسین علاء وزیر دربار محمدرضا پهلوی به شاه است، به نقل از ابوالقاسم تفضلی در انتخابات بیستم مجلس شورای ملی می‌نویسد:<sup>۱</sup>

در تیر ماه ۱۳۳۹ در ژنو یک تلگراف فوری به دستم رسید ... تلگراف بوی انتخاب شدات به نمایندگی مجلس می‌داد.<sup>۱۴</sup> ... دکتر الباقا ... یک ورقه بزرگی را روی میز من پهن کرد و گفت: من و علم در شب حضور اعلی حضرت شرفیاب شدیم و برای هر حوزیه کاتبان دعای خودمان را به نظر شاه رساندیم تا اعلی حضرت هر کس را مایل باشد انتخاب فرمایند به طوری که می‌توانی تو را برای حوزیه کاشمر انتخاب فرمائند. پس چاره‌نمایی و باید قبول کنی، من به کاغذ نگاه کردم و دیدم برای حوزیه کاشمر نام من را نام منوچهر تیمورتاشی و یک نفر دیگر نوشته شده و با جوهر سبز رنگ در اسم من خط کشیده است.

سرا چه کسی خط سبز دور اسمش کشیده بود؟ ج: شخص شاه.<sup>۱۵</sup>

طنی بیست و چهار دوره نمایندگی مجلس شورای ملی به طرز قطع غیر لای حوزم‌های اول تا ششم و در زمای چهاردهم تا هفدهم مردم هیچگاه شاهد رعایت انتخابات آزاد نبوده‌اند، از دوره ششم به بعد انتخابات دکتر مصدق آیت‌الله کاشانی و دکتر مناقر بقایی و حسین مکی بوده‌است که بدون شک یارانی طبیعی اکثریت مردم تهران به مجلس راه یافتند.<sup>۱۶</sup> ... همه‌کس باید بداند و بفهمد که انتخابش منحصراً و صرفاً مردون خواست یک نفر است، یعنی شاه، و تا زمانی می‌تواند در پست خود باقی بماند که از امر شاه را اجرا کند و مطیع محض او باشد.<sup>۱۷</sup>

۱. فرهاد رستم، *دروازت دربار*، گزارش‌های حسین علاء به محمدرضا پهلوی، بی‌نا، بی‌تا، ص ۷. همچنین رک: *تاریخ معاصر ایران*؛ انتخابات دوره بیستم قانون‌گذاری و انجمن شهر تهران، به روایت دکتر ابوالقاسم تفضلی، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۰۲-۱۹۱.

مردم تا قبل از ۱۵ خرداد یک مصداق خیالی در سیاست بودند و بازنمایی حقوق آنها در حوزه سیاست امکان‌پذیر نبود. استبداد مرکب دوران پهلوی با نظم بازنمایی شده نمایندگی، که سرنوشت آن توسط دیکتاتور تعریف می‌شد عملاً از بیان و تعریف خود محروم و به قول فیلسوف فرانسوی ژان بودریار تبدیل به اکثریت‌های خاموش شدند؛ اکثریت‌هایی که در مصداق خیالی بازنمایی شده‌ای به نام نمایندگی، موجودیت واقعی خود را از دست داده بودند.

اما برای امام خمینی مردم در سیاست معنای نمایشی ندارد. در جایی امام می‌فرماید: راهی که من انتخاب کرده‌ام راهی است که مردم خواهان آن می‌باشند و اگر من هم مثل دولتی‌ها حرف بزنم مردم مرا هم طرد خواهند نمود...<sup>۱</sup> این نوع نگاه امام به مردم بود که باعث شد ملت ایران از میان تمام گزینه‌های سیاسی موجود اندیشه، مسیر و آرمان امام را انتخاب کنند. امام در سنت مبارزه علیه رفراندم و



قم؛ مدرسه فیضیه، هنگام ایراد بیانات تاریخی امام خمینی در روز عاشورای ۱۳۸۳ مطابق با ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ که منجر به واقعه ۱۵ خرداد شد.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۷.



جنبش ۱۵ خرداد و دنباله آن قیام علیه کاپیتولاسیون و به طریق اولی در انقلاب اسلامی هر دو سنت علم سیاست اروپایی در ایران را شکست؛ یعنی هم تمام تهاجمات را متوجه اصل سلطنت کرد و هم به جای تکیه بر احزاب و گروه‌ها به عنوان جریان‌های پیشرو در مبارزه، مردم را در صف مقدم مبارزه قرار داد و منافع مردم برای امام همیشه ارجحیت بر منافع گروه‌ها و جریان‌ها و طبقات داشت.

بنابراین موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های امام در مقابله با ارکان رژیم پهلوی و پشتوانه‌های تئوریک و ایدئولوژیک آن از اساس با نوع موضع‌گیری‌های متعارف و سنتی جریان‌های مبارز متفاوت بود. امام ویژگی‌های شرایط جدیدی که می‌رفت ایران را وارد فضای غیر متعارف نوینی کند به درستی تشخیص داد و ارکان مبارزه را بر این ویژگی‌ها متمرکز کرد و هر دستاویز دیگری را غیر واقعی دانست.

### ۳. پانزده خرداد و سرشت ضد سلطنتی نهضت امام خمینی

قبل از ورود امام به صحنه سیاسی، اکثر جریان‌های سیاسی به دنبال مبارزه با مستبد بودند و کاری با نظام استبدادی نداشتند. امام نوک پیکان مبارزه را بر نظام استبدادی متمرکز کرد و بیش از هر چیزی به پایه‌های این نظام حمله کرد. چون می‌دانست با فروپاشی این نظام، امکان دوام مستبد در جامعه ایرانی نبود. یکی از نخستین اهداف نهضت ۱۵ خرداد حمله هماهنگ به نظام سلطنتی بود. در میان آرمان‌هایی که نهضت ۱۵ خرداد برانگیخته بود نخستین آرمان که سر بر کشید و تا آخر هم فروکش نکرد، سرشت ضد سلطنتی این نهضت بود.

بنابراین به طور طبیعی هر جریان با هر انگیزه و در هر سطحی که به دوام سلطنت در ایران باور داشت در مقابل نهضت ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی قرار گرفت. ۱۵ خرداد مقبولیت غیر شرعی و غیر عقلی سلطنت در باور ملت ایران را آنچنان نهادینه کرد که دیگر چیزی بهتر از زندگی در ایران بدون سلطان برای مردم لذت‌بخش نبود.

مبارزه علیه سلطنت و پایه‌های نگهدارنده آن (غرب، غرب‌گرایان، مقدس‌مآبان) برای نهضت امام خمینی یک پدیده تصادفی که عده‌ای در پی القای آن هستند، نبود؛ احساس ضد سلطنتی یک واکنش پایدار علیه تمامی ایدئولوژی‌ها و گروه‌ها و جریان‌هایی بود که به نوعی سلطنت شاه را در ایران یکی از ارکان اساسی دوام تاریخی این کشور می‌دانستند و معتقد بودند که عواطف و رویدادهای ضد سلطنتی در نهضت امام خمینی به هیچ روی یکی از برنامه‌های اساسی انقلاب به شمار نمی‌آید.

هدف امام خمینی تنها دگرگونی صورت قدیمی حکومت نبود بلکه می‌خواست کل ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مناسبات اقتصادی نظام شاهنشاهی و ستون‌های نگهدارنده آن نابود شود. حمله به امریکا، صهیونیسم، بهائیت در حقیقت حمله به ارکان نگهدارنده نظام پادشاهی در ایران بود؛ بنابراین یکی از نخستین کارهایی که امام در نهضت ۱۵ خرداد انجام داد آن بود که ذهن مردم را از برداشت‌هایی که فرمانبری آنها از اقتدار رژیم پهلوی را تضمین می‌کرد، پاک کند

نداشت. در عوض تأثیر ملاقات آنها باعث سرسخت‌تر شدن جبهه ملی نسبت به قبل گردید. طبق گزارشات واصله خمینی هنوز هم هر گونه مصالحه‌ای که براندازی سلسله پهلوی را در بر نداشته باشد، رد می‌کند...<sup>۲</sup>

گزارشات مستمر امریکایی‌ها نشان می‌دهد که امام خمینی از اساس وجود نظام سلطنت در ایران را به رسمیت نمی‌شناسد. باز هم در گزارش دیگری امریکایی‌ها می‌نویسند:

ما معتقدیم جبهه ملی مطمئناً از قانون اساسی حمایت می‌کند در حالی که خمینی با رد کردن حکومت پادشاهی آشکارا با سازش و به طور ضمنی با قانون اساسی مخالفت می‌کند...<sup>۳</sup>

هدف امام خمینی تنها دگرگونی صورت قدیمی حکومت نبود بلکه می‌خواست کل ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مناسبات اقتصادی نظام شاهنشاهی و ستون‌های نگهدارنده آن نابود شود. حمله به امریکا، صهیونیسم، بهائیت در حقیقت حمله به ارکان

حتی امریکایی‌ها نیز متوجه این تفاوت در گزارش‌های خود بودند و نوشتند:

مشغله فکری خمینی در مورد نبرد علیه سلطه خارجی و استبداد داخلی، با خواست گروه‌های میانه‌روتر مثل جنبه ملی که به دنبال دموکراسی تحت لوای قانون اساسی هستند، در تضاد می‌باشند...<sup>۱</sup>

یا در جای دیگری امریکایی‌ها می‌نویسند:

ملاقات بین سنجابی رهبر جنبه ملی و آیت‌الله خمینی هیچ‌گونه موفقیتی برای میانه‌رو کردن آیت‌الله خمینی در پی

۱. اسناد لانه جاسوسی، بی‌نا، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۷۷.



نگهدارنده نظام پادشاهی در ایران بود؛ بنابراین یکی از نخستین کارهایی که امام در نهضت ۱۵ خرداد انجام داد آن بود که ذهن مردم را از برداشت‌هایی که فرمانبری آنها از اقتدار رژیم پهلوی را تضمین می‌کرد، پاک کند. آنجایی که فریاد زدند: «شاه‌دوستی یعنی غارتگری و...» حمله به ارکان این فرمان‌بری بود.

در آن طرف این فروپاشی یک قدرت گسترده و فراگیر و متمرکز در حال شکل گرفتن بود؛ قدرتی که همه عناصر اقتدار و نفوذی را که تا آن زمان در مردم پراکنده و ناهماهنگ بود جذب خود کرد و در یک کل سازمان یافته به هم پیوسته ساخت. پیوستگی این قدرت جدید توده‌ها بود که در کمتر از ۱۵ سال آفریننده انقلاب اسلامی شد.